

هشت مارس در راه است، این ماه، ماه زن است! کوروش مدرسی، لیدر حزب حکمتیست



از امروز تا ۸ مارس را باید به ماه زن، ماه آزادی و برابری، ماه روشنگری در باره ستم بر زن و ماه محکومیت ستمکار تبدیل کرد.

تجمع توده ای ممکن باشد و چه نباشد، باید از امروز کاری کرد که همه مردم بدانند که ۸ مارس روز زن است. همه مردم بدانند که بر زن در این جامعه جنایتی روا داشته میشود. همه مردم به این جنایت و به صورت این جنایتکاران تف کنند.

همه جا باید فریاد بر آوریم که ما انسانیم، سر سوزنی از حق انسانی خود کوتاه نمی آیم. زندگی در جامعه ای که نیمی از خود را از لحظه تولد پست، درجه سوم و نا انسان اعلام میکند را ننگ میدانیم. اگر انسان عزیز و شریف است به این دلیل است که نیمی از آن زن است.

اسلامی انسان نیست. ۸ مارس روز اعتراض به این جنایت است. روزی است که زن و مرد این جامعه، بزرگ و کوچک آن اعلام میکنند که این بندگی و این برگی رانمی پذیرند. باید تلاش کرد ۸ مارس بزرگترین اجتماعات ممکن در دفاع از حقوق انسانی زنان بر پا شود. اما ۸ مارس تنها یک روز است. و از امروز تا ۸ مارس حدود یک ماه. اما به هزار و یک دلیل ممکن است تجمع بزرگ و توده ای ممکن نشود. ممکن است حکومت نظامی کنند، ممکن است دوباره کشف کنند که هوا آلوده شده است، و .. مهم این است که چه

۸ مارس، روز جهانی زن، در راه است. زنان اتباع درجه سوم جوامع اسلامی و جمهوری اسلامی هستند. زن انسان نیست. دختر بچه را در سن ۹ سالگی بنام ازدواج مورد تجاوز قرار میدهند، زن را به جرم عشق ورزی، به جرم انسان بودن و جرات عشق ورزی سنگسار میکنند. زن را به زور شوهر میدهند، زن را فاقد عقل اعلام میکنند و جامعه و در خانواده موقعیت انسانی را از او دریغ میکنند. جمهوری اسلامی نه نماینده ساده مرد سالاری، بلکه نماینده برده داران مرد سالار است که از اعماق قرون از تابوت بیرون آمده است. زن در جمهوری



باند سیاهی ها را بهتر بشناسید! (در حاشیه برگزاری روز کومه له توسط سازمان زحمتکشان)

سندج، کومه له خلع سلاح رزگاری، کومه له جنگ 24 روزه سندج و دهها حرکت شکوهمند کم نظیر دیگر بود. کومه له چپ بود، کومه له کمونیست بود، کومه له طرفدار کارگر و زحمتکش بود. در حالیکه نطفه سازمان زحمتکشان علیه چپ و کمونیسم کومه له آن دوره بسته شد. کومه له آن دوره صفحه ۴

توسط سازمان زحمتکشان زیر نام کومه له و با پرچم کردستان زیر عکس محمد حسین کریمی و فراد مصطفی سلطانی جشن گرفته میشود. یک شارلاتانیسم سیاسی و همچنین توهین به آرمان و اهدافی است که آنان جان خود را برای آن از دست دادند. کومه له آن دوره، کومه له راهپیمائی های سندج - مریوان، کومه له کوچ تاریخی مردم مریوان، کومه له تحصن



حسین مرادبیگی (حمه سور)

تپچه که منتهاست و این روزها

گفتگوی اکتبر با صالح سرداری



ضد چریک پیشمرگان کرد مسلمان و لشکر شش نفره و کفن پوشان پیرو خط امام و رهبری در مریوان پخش شده است کسی جز جمهوری اسلامی نیست. البته اطلاعیه های مشابهی در سندج بنام حزب الله کردستان و در اهواز و اورومیه هم بنام های مشابهی پخش شده اند. بر عکس ادعای این اطلاعیه که نوشته اند در 27 سال گذشته گویا اینها مزاحمتی برای 7 خانواده و وابستگان احزاب و جریانات سیاسی بوجود نیآورده اند. در تمام این سال ها هرچه را که توانسته اند در حق خانواده های مخالفین سیاسی جمهوری اسلامی انجام داده اند. انگار غیر از گل به اینها چیزی نگفته اند این ادعا و دروغ های شاخدار به اندازه ادعا نفی اعدام ها و زندانی کردن و شکنجه کردن و مصادره اموال و تبعید کردن اعضای خانواده فعالین

اکتبر: اخیرا جنایتکاران جمهوری اسلامی در مریوان در اطلاعیه ای خانواده فعالین سیاسی و اعضای سازمان های اپورسیون جمهوری اسلامی را تهدید به کشتن و ترور کرده اند اینها چه کسانی هستند؟ و جریان از چه قرار است؟
صالح سرداری: آنچه که در اطلاعیه مورد نظر شما که بنام انجمن حمایت از خانواده های ایثارگران - گروه

کارگران شرکت واحد، دو ماه جدال جدی و یک همبستگی شورانگیز!

هارترین و ضد کارگری ترین رژیمهای تاریخ بشر صورت گرفته است، باید نوشت و بحث کرد. در باره توافقاتی که در این دو ماه افتاد و هنوز ادامه دارد، در باره تاکتیکها و اپتکارات درست و نادرست اتخاذ شده در مبارزه باید نوشت و بحث کرد. بررسی حرکت سندیکای شرکت واحد و

هنوز تعدادی از کارگران و رهبران آنان از جمله منصور اسانلو و ابراهیم مندی و... در زندانند. کارگران شرکت واحد دو ماه برای نجات سندیکای خود و تحمیل قراردادهای دسته جمعی و آزادی فعالین و نمایندگانشان، تلاش همه جانبه و سختی را پیش بردند که همچنان ادامه دارد. در باره درسهای متنوع و پر مضمون این مبارزه که در جدال با یکی از



خالد حاج محمدی

دو ماه از شروع اعتراضات کارگران شرکت واحد میگذرد و

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید!
به گارد آزادی بپیوندید!



ادامه اعتراضات مردم در شهر کرکوک!

برهان دیوارگر فعال کارگری ودبیر کانون کودکان بار دیگر محاکمه میشود.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سیاسی نیروهای پوزسیون حقیقت دارد. همه مردم میدانند که این مزدوران تا آنجاییکه در توان داشتند طرف بیست و هفت سال گذشته بر مردم شهر و بیشتر از هر کس دیگری به وابستگی مخالفین جمهوری اسلامی روا داشته اند. راستی کدام خانواده مخالف جمهوری اسلامی را می توان یافت که یا اعدام یا تبعید یا زندانی نداده و یا شکنجه یا تحقیر و بیکار نشده و یا اموالش را مصادره نکرده باشند؟

اما چرا امروز اینها باز هم رسماً و علناً به تهدید و ترور در این اطلاعیه روی آورده اند؟ این تحرکات ناشی از وضعیتی است که جمهوری اسلامی به آن گرفتار شده است. اینها با صادر کردن چنین اطلاعیه هایی می خواهند فضای رعب و وحشت ایجاد کنند، فکر می کنند می توانند مردم را بخانه بفرستند. فکر می کنند می توانند از میزان نفرتی که مردم در دوران حکمیت سیاه شان پیدا کرده اند بکاهند. برای ایجاد این رعب و وحشت هم همیشه از خانواده فعالین سیاسی شروع کرده اند و اما کور خونده اند.

واقیعت این است هر وقتی که جمهوری اسلامی نتوانسته مبارزات رو به گسترش مردم را خفه کند و یا توجیهی برای سرکوب خونین آن پیدا کند به بهانه اینکه ما از جانب دشمن خارجی مورد تهدید هستیم، این مبارزات را در داخل ایران مورد حمله و سرکوب قرار می دهند. یه قول خودشان نعمت الهی برایشان نازل می شود. وضعیتی که بر سر

خونده اند و واقیعت این است هر وقتی که جمهوری اسلامی نتوانسته مبارزات رو به گسترش مردم را خفه کند و یا توجیهی برای سرکوب خونین آن پیدا کند به بهانه اینکه ما از جانب دشمن خارجی مورد تهدید هستیم، این مبارزات را در داخل ایران مورد حمله و سرکوب قرار می دهند. یه قول خودشان نعمت الهی برایشان نازل می شود. وضعیتی که بر سر

می شود. وضعیتی که بر سر

بستگان و خانواده های فعالین پوزسیون برایتان گران تمام می شود. بیگنار روز بعد از سرنگونی جمهوری لاقل کسانی بتوانند برای شما ها تقاضای بخشش کنند. بعضی از شماها مزدوران پادگان هست که چگونه بسته دسته مردم را نزد ما می فرستادید تا شما ها را ببخشیم. هر چه زودتر صفوف دستگاه جنایت جمهوری اسلامی را ترک کنید و به مردم شریف و زحمتکش ببینید. همچنین مردم مبارز و زحمتکش و بخصوص جوانان را فراموش نکنید که برای بگور سپردن جمهوری اسلامی راهی جز متشکل شدن و متحد شدن در تشکل ها و نهادهای صنفی و سیاسی وجود ندارد. نباید چشم براه و در انتظار بود، فریب تبلیغات

کسانی را نباید خورد که پروژه عرافیزه کردن ایران را در سر می پرورانند. باید به نیروی خودمان که بسیار عظیم است متکی باشیم. در این نوره مشخص همانطوریکه در اطلاعیه شماره ۲ فراماندهی آزادی و انسانیت برای دفاع از مدنیت جامعه برای اینکه دشمنان آزادی و برابری نتوانند بیشتر از این زندگی مردم را به تباهی بکشانند، به گارد آزادی ببینید و با تشکلهای واحد گارد آزادی در محل و ارتباط با ما این نیروی مدافع منفعت اکثریت جامعه را تقویت کنید.

برهان دیوارگر فعال کارگری و دبیر کانون کودکان بار دیگر محاکمه میشود.

اطلاعیه شماره ۷۳
برگزاری کار ایران اعلام کرده است که "دلگاه" برهان دیوارگر "بازداشت شده روز جهانی کارگر برگزار می شود" این خبر نگاری اضافه کرده است. "جلسه رسیدگی به اتهامات" برهان دیوارگر" از بازداشت شدن روز جهانی کارگر روز پنجشنبه چهارم اسفند ماه جاری در شعبه اول دلگاه انقلاب سقز برگزار می شود.

"محمد علی دلخواه" وکیل این شخص در گفت و گو با خبرنگار ایپنا گفت: با توجه به احضاریه ای که از سوی شعبه مزبور دریافت کرده ایم روز چهارم اسفند ماه در شعبه اول دلگاه انقلاب سقز حاضر و به دفاع از اتهامات انتسابی خواهیم پرداخت. وی اتهام موکلش را اقدام علیه امنیت کشور عنوان کرد.

"برهان دیوارگر" پیش از این از سوی شعبه اول دلگاه انقلاب سقز در پرونده ای دیگر به دو سال حبس محکوم شده بود. کارگران، مردم آزادیخواه! برهان دیوارگر یکی از دستگیرشدگان سقز بخاطر برگزاری و شرکت در مراسم اول ماه مه به دوسال زندان محکوم شده است. برهان دیوارگر از بنیان گذاران تشکل سراسری کارگران علیه بیکاری و دبیر کانون دفاع از حقوق کودکان سقز است که تا به حال بارها به دلگاه احضار و مورد بازجویی قرار گرفته است. رژیم جنایتکار اسلامی میخواهد بار دیگر برهان را به اتهام واهی امنیت علیه کشور به محاکمه بکشد. اعمال سرکوبگرانه و اقدامات ضد انسانی رژیم که اخیراً افزایش یافته است، نشان از سناریوی شناخته

شده ایست که رژیم اسلامی در طول حیات ننگین خود علیه فعالین کارگری ایران بکار برده است. رژیم مغفور اسلامی با دست زدن به این نوع سیاست های سرکوبگرانه میخواهد فعالین کارگری را وادار به عقب نشینی و آنها را به سکوت وادارد. تعرض به کارگران شرکت واحد، دستگیری اسنانو و اعضای هیئت مدیره کارگران شرکت واحد و صدها کارگر مبارز در جریان اعتصاب کارگران شرکت واحد، حمله شبانه به منازل کارگران، دستگیری و به محاکمه کشیدن آنها، اعمال شکنجه های وحشیانه بر فعالین کارگری در زندانها خوف اسلامی، یاد آور سیاست همیشگی سردمداران نظام اسلامی از آغاز حکمیت تا به امروز بوده است. اعمال دهنمشانه اخیر جمهوری اسلامی از سرضعف و هراس از

قدرت و اتحاد طبقه کارگر است. قدرتی که تنها گوشه ای بسیار کوچکی از آن در اعتصاب کارگران شرکت واحد و حمایت جهانی از آنها خود را نشان داد. ترس و وحشت سران رژیم از به میدان آمدن طبقه کارگر بحدی است که برای به عقب راندن مبارزات کارگران حاضر است به هرکاری دست بزند. باید در مقابل این اعمال جنایتکارانه ایستاد و آن را افشا کرد. باید با تمام امکانات به این توحش و بربریت اسلامی اعتراض کرد و خواستار لغو محاکمه برهان دیوارگر و دیگر فعالین کارگری شد. ما هر نوع محاکمه و اعلام جرم علیه برهان دیوارگر را محکوم و مردود میدانیم. به سهم خود تلاش میکنیم افکار عمومی جهان را مطلع و به موج اعتراض علیه جمهوری اسلامی بیفزاییم. نباید گذاشت

جمهوری اسلامی برلحتی طبقه کارگر را به عقب نشینی وادارد. ما به کمک کارگران و مردم آزادیخواه اجازه نخواهیم داد مزدوران رژیم اسلامی به آسانی این فعال کارگری را محکوم و علیه آن حکمی صادر کنند. همراه ما به احضار و محاکمه برهان دیوارگر اعتراض کنید.

کمیته سقز حزب کمونیست
کارگری ایران- حکمتیست
شنبه بیست و نهم بهمن ماه
۱۳۸۴

ادامه اعتراضات مردم در شهر کرکوک!

طبق اخبار رسیده، امروز سه شنبه ۲۱ فوریه، مردم محله رحیم آباد شهر کرکوک، در ادامه اعتراضات مکرر خود علیه گرانی و فقدان مواد سوختی در این فصل سرما، علیه چپاول احزاب مسلح قومی و مذهبی، بار دیگر امروز به خیابانها آمدند.

تجمعات اعتراضی مردم رحیم آباد بار دیگر با تیراندازی نیروهای مسلح احزاب قومی و اشغالگران آمریکایی مواجه شد. گویا چند نفر در این زدوخورد کشته و مجروح شده اند.

مردم خشمگین رحیم آباد در جواب به تیراندازی و ضرب و شتم نیروهای ارتجاعی مسلح، مرکز پلیس رحیم آباد را اشغال کردند و پمپ بنزین فلکه بریایه تی و

جریانات قومی و مذهبی را بر سرنوشت مردم با مبارزات متحد خود مردم، کوتاه کرد.

اکتبر



رحیم آباد را به آتش کشیدند. گرانی سرسام آور، بیکاری، فقر و فقدان مواد سوختی زندگی اکثریت مردم عراق و بویژه مردم کرکوک را بطور جدی به مخاطره انداخته است. نیروهای ضد انسانی آمریکا و احزاب مسلح قومی و مذهبی، در جواب به اعتراضات مردم بسوی تجمعات آنها آتش می کشانند، رهبران دلسوز مردم را به ترور تهدید میکنند، مردم را دستگیر و شکنجه میکنند.

اعتراضات مردم کرکوک نشانه تلاطم مبارزات اعتراضی مردم عراق در بطن جهمی است که بر سر نوشت مردم نازل کرده اند. مردم متحد و یکپارچه باید برای عبور از این مصایب متشکل شوند. باید دست

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

**کارگران شرکت واحد، ...
از ص ۱**

سازماندهی اعتصاب و مقاومت آنها، برای فعالین و رهبران کارگری درسهای گرانهای در بر دارد.

اعتراضات کارگران شرکت واحد تلاش و مبارزه همه جانبه و مهم و همبسته کارگری در مقابل یک رژیم جنایتکار بود. در این مبارزه معلوم شد، مبارزه و اتحاد طبقاتی فقط بخش کوچکی از طبقه کارگر ترس و وحشتی در دل سران حکومت ایجاد میکند، که دیدیم این ترس و وحشت حقیقی است. رژیم این را میداند که لگر کارگران در سطح وسیع به میدان بیایند برای مدت کوتاه هم نمیتواند دوام بیاورد. ترس از شعله ور شدن اعتراض وسیع کارگران و مردم که بدون شک در این اوضاع بحرانی جمهوری اسلامی را در سرایش سقوط قرار میداد موجب تحرک وسیع نیروهای حکومت شده بود. لوباشان حکومت از آخوند و پاسدار، مراکز جاسوسی و اطلاعاتی، شورای اسلامی و خانه کارگر، شهردار تهران تا تمام جیره خواران ریز و درشت رژیم علیه کارگران اتوبوسرانی به صف شدند. همگی به صف شدند تا به طبقه کارگر اعلام کنند که در جمهوری اسلامی از حق و حقوق کارگری خبری نیست. که حق و حقوق کارگر به معنی خواندن سرود سرنگونی رژیم است. جمهوری اسلامی با تمام نیرویش بیرون خزید تا یکبار دیگر بگوید که راهی جز قبول این اوضاع و تسلیم در کار نیست، که سهم خواهی و زندگی بهتر برای محرومان جامعه جوایش شکنجه و

زندانی است. که سهم کارگر و صاحبان جامعه و سازندگان نعمت و هستی در حکومت خدا همین است و بس.

این دو ماه میدانی از مبارزه و تلاش و دنیایی از تجربه و مدرسه ای برای کارگران ایران بود. هر روز جمعی از فعالین و رهبران و نمایندگان زندانی شدند و جمعی دیگر یا پیش گذاشتند و ادامه دادند. انواع ابتکارات مختلف از اعتصاب تا روشن کردن چراغها، از بحث و جدل تا کلاسهای آموزشی، از تجمع خانوادگی دستگیر شدگان تا اعتراض در زندان و دهها تاکتیک و ابتکار جالب و مختلف به کار برده شد.

همراه با اعتراضات کارگران شرکت واحد، ما شاهد یک حمایت وسیع و شورانگیز و بی سابقه بین المللی در دفاع از کارگران ایران بودیم. صدها اتحادیه و مرکز کارگری و حقوق بشر از کارگران شرکت واحد حمایت کرده اند. انقدر قدرتمند شده بود که حرفهای آنها و خانواده و حامیانشان در سراسر جهان پژواک میافت. مبارزه کارگران شرکت واحد، اتفاقاتی که هر روز پیش میامد و اعتراضاتی که علیه جمهوری اسلامی در سراسر جهان شکل گرفت و هم چنان ادامه دارد، سکوت رسانه ها و میدیای بورژوازی را شکست. اعتصاب و اعتراض سندیکای کارگران شرکت واحد و مقابله رژیم با آنها به یک مسئله بزرگ سیاسی روز در ایران تبدیل شد. بمب اعتراض کارگری داشت مسئله بمب اتمی را به حاشیه اخبار میراند. موجی از تنفر در سراسر جهان علیه جمهوری اسلامی دامن زده شد و

بی حقوقی کارگران ایران و اعتراض و حق طلبی آنها به خانه میلیونها انسان در سراسر جهان رفت. صدها اتحادیه کارگری با دهها میلیون عضو و صدها نهاد و حزب و جریان انسانوست در سراسر جهان، در دفاع از کارگران شرکت واحد و خواستههای آنان به اشکال مختلف به میدان آمدند.

مبارزه کارگران و جدال میان جمهوری اسلامی به سخن روز هر محفل و جمع خانوگی در ایران تبدیل شد.

روز ۱۵ فوریه به عنوان روز دفاع از حقوق کارگران ایران ثبت شد و در این روز اعتراضی شورانگیز و جهانی در سراسر دنیا پیا شد که مهم و امیدوار کننده بود.

در این روز در ۱۸ کشور جهان کارگران و رهبران کارگری و احزاب و جریانات چپ و انسانوست به فراخوان کنفراسیون اتحادیه های آزاد و فراسیون اتحادیه های جهانی در دفاع از کارگران ایران و علیه جمهوری اسلامی به میدان آمدند و صدای اعتراض خود را به گوش جهانیان رساندند. آزادی بی قیدو شرط تمام دستگیر شدگان، حق تشکل و اعتصاب، اخراج ایران از ای ال او از خواستههای مشترک و اصلی در این اعتراض جهانی بود.

۱۵ فوریه روزی مهم و اقدامی جدی و شورانگیز در دفاع از کارگران ایران و یک صفحه زرین از همبستگی بین المللی کارگران در جهان است. در این روز همبستگی کارگری و منفعت مشترک و همسرنوشتی طبقه کارگر بار دیگر اهمیت شعار "کارگران جهان متحد شوید" را به دنیا نشان داد. ایجاد این صف متحد

از فرانسه تا انگلستان و ژاپن و فیلیپین و امریکا و کانادا و آلمان و عراق و ایران..... در دفاع از کارگران ایران، دستاوردی بزرگ و مهم برای طبقه کارگر و خصوصاً کارگران ایران بود.

اعتراضات کارگران شرکت واحد و درسهایی که تا همین حال برای طبقه کارگر در بر داشته است، بار دیگر این حقیقت را ثابت کرد که کارگران خارج از هر رنگ و نژاد و مذهبی، خارج از هر زبان و "ملیتی" همسرنوشتند. این تجربه تا هم اکنون اهمیت اتحاد کارگری و اهمیت تشکل کارگری را به روشنی به همه نشان داد. نشان داد که قدرت کارگران در اتحاد و تشکل آنهاست. نشان داد که کارگر منفرد هیچ است و کارگر متحد و متشکل همه چیز.

اهمیت اتحاد کارگران و تشکل کارگری برای هر مطالبه و خواستی و برای ایجاد کوچکترین تغییری با بیان درشت در اذهان بسیاری از کارگران حک شد.

مبارزه کارگران شرکت واحد هنوز به سرانجام نرسیده است. علیرغم تمام دستاوردها و تجارب و درسهایی با ارزش این حرکت، هنوز تعدادی از کارگران در زندانند، هنوز دفتر سندیکا بسته و هنوز به خواستههای کارگران جواب مثبت داده نشده است و هنوز جمهوری اسلامی در تلاش است تا کارگران را مرعوب و حکومت خود را از این تندببچ نیز بسلامت عبور دهد.

فشار به جمهوری اسلامی و عقب راندن و به شکست کشاندن سیاستهای ارتجاعی آن و رسیدن به خواستههای کارگران شرکت واحد ممکن است. اعتراضات بین المللی و راههای ایجاد فشار به جمهوری



به کمپین جهانی برای آزادی اسائلو و تمام دستگیر شدگان اعتصاب شرکت واحد بپیوندید!

فعالین کارگری جرمی مرتکب نشده اند، از حق خود دفاع کرده اند. احکام زندانی کردن فعالین کارگری باید بدون قید و شرط لغو گردد. به کمپین دفاع از فعالین کارگری بپیوندید!

کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست ۲۵ و ۲۶ فوریه در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار میشود

با شرکت در این کنفرانس از نزدیک با فعالیتهای و سیاستهای حزب حکمتیست در خارج کشور آشنا شوید. در این کنفرانس در بطن تحولات سیاسی نقش حزب حکمتیست و تشکیلات خارج کشور آن مورد بحث قرار میگیرد.

جهت ثبت نام با این ای میل تماس بگیرید

hekmatist.aboard@gmail.com
37 22 590 781 (44)

باند سیاهی ها را بهتر بشناسید! از ص ۱

فدرالیست چی و آگاهانه ناسیونالیست نبود. به هیچ وجه نمی توان نفرت قومی و فدرالیسم قومی را به کومه له آن دوره در هیچ دوره ای از حیات آن الصاق کرد. عبدالله مهدی و عمر ایلخانی زاده سازمانی را بر پایه خون و نفرت قومی سرهم بندی کرده اند، خود را به محمد حسین کریمی و فواد مصطفی سلطانی می چسباندند و آن را به نام کومه له به خورد مردم میدهند. دامنه این نفرت قومی را اینها حتی به مدارس و به میان دانش آموزان نیز گشاندند. پادمان نرفته است که از دانش آموزان مدارس در کردستان خواستند که به مدت یک هفته سر کلاس فقط به زبان کردی صحبت کنند. کومه له آن دوره برای هویت قومی و ملی دلسوزی نمی کرد. در حالیکه سازمان زحمتکشان پیکره اش از هویت قومی و ملی ساخته شده است. کومه له برای اتحاد کارگر و زحمتکش و دیگر اتساقهای این جامعه مبارزه میکرد، اینها از کارگر و زحمتکش و دیگر مردم شریف و آزادیخواه میخواستند که بر مبنای قومیت و نفرت قومی خود را در تقابل با همدیگر قرار دهند. دارند علنا به کومه له بد و بیراه میگویند. در مورد تاریخش دروغ می بافند و آن را جعل میکنند، به گذشته آن چوب حراج زده و آن را نفرین میکنند باز هم میگویند که کومه له هستند! آیا میتوان جز شارلاتانیسم سیاسی ویژه سازمان زحمتکشان نام دیگری بر این گذاشت؟ و بیروس طاعون قومی را در بدن جامعه تزریق میکنند، آن را به کومه له که روزی نقطه درخشانی در تاریخ چپ و کمونیسم در ایران بود، نسبت میدهند. آن را به محمد حسین کریمی و فواد مصطفی سلطانی و دیگر اتساقهایی که با شعار زنده باد آزادی و سوسیالیسم جان خود را

از دست دادند، نسبت میدهند. کسی که این واقعیت ها می بیند و آن را لاپوشانی میکند و برای آنان هلهله میکشد، دارد خود را در سمی که اینها دارند به نام کومه له در بدن جامعه تزریق میکنند با اینها شریک میکند. سازمان زحمتکشان تنه ناسیونالیسم کرد درون کومه له آن دوره است. ناسیونالیسمی کلاب و جعلی که می بایست بسیار قبل تر از پیوستن به کومه له به حزب دمکرات کردستان ایران می پیوست. اما این ناسیونالیسم چون دل خوشی از حزب دمکرات نداشت و آلترناتیو دیگری هم نبود، خود را درون کومه له آن دوره چپاند و در سرنوشت آن خود را شریک کرد. این ناسیونالیسم به یمن هژمونی کمونیسم طبقه کارگر در کومه له آن دوره جرات نکرد که علنا پرچم خود را بلند کند. بعد از جدائی ما از حزب کمونیست ایران نیز 10 سال صبر کرد تا توانست نیروی خود را بردارد و برود. عبدالله مهدی به عمر ایلخانی زاده پیوست و با همدیگر در سال 2000 سازمان نفرت از چپ و کمونیسم را که به تدریج وبا خیال راحت در کومه له تحت مسئولیت ابراهیم عزیزاده به یمن دمیدن افق خونین "نظم نوین جهانی" و پیروزی ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق شکل داده بودند، اعلام کردند. سازمان زحمتکشان در سال 2000 یا می بایست به حزب دمکرات کردستان ایران می پیوست، یا می بایست به عنوان آلترناتیو این حزب پرچم ناسیونالیسم کرد را از دست حزب دمکرات بیرون می آورد که برایش مقنن نبود. در نتیجه رفتند و آگاهانه ناسیونالیسم کرد را تا سطح فالانتریزم و قوم پرستی کامل ارتقاء دادند و سازمان قومی خود را تشکیل دادند. این کار مقنن نبود جز با سرفتن نام کومه له و گرنه آن چند نوجبین نمی را هم که همراه خود داشتند نیز از دست میدادند و از هم می پاشیدند. اینها

تاریخ کومه له را نمیخواستند، قبلا آن را نفرین کرده بودند. نام کومه له را میخواستند تا عوام فریبی خود را زیر نام کومه له انجام دهند. رفتند نام کومه له را سرفتن کردند و آن را بالا کشیدند. یکی از سرفتهای بزرگ سیاسی ایران معاصر. کومه له آن دوره کنگره اول را داشت، کومه له آن دوره کنگره دوم را داشت که در آن گفته است که چپ است و پوپولیسم را نقد کرده است و در این کنگره به اتحاد مبارزان کمونیست درود فرستاده است. کنگره سوم برنامه حزب کمونیست ایران را تصویب کرد، کنگره چهارم، کنگره پنجم که سوسیالیسم کارگری در آن مشهود تر میشود و کنگره ششم که سوسیالیسم کارگری در کومه له آن دوره به پیروزی میرسد. سازمان زحمتکشان هنوز که هنوز است جرات نکرده است که بگوید به کدام یکی از این کنگره های کومه له آن دوره تعلق دارد که نام کومه له را سرفتن کرده است. به چپ و کمونیسم کومه له آن دوره، به تاریخش، به گذشته است بد و بیراه میگویند، ولی هنوز که هنوز است جرات نمیکنند بگویند به کدام سنت کومه له دست برده و از آن دفاع میکنند؟ یا اینحال نام کومه له بر خود گذاشته اند! پرچم کردستان را بلند کرده اند با آن دارند پاکسازی قومی و فالانتریزم قومی خود را سازمان میدهند، آن را به سنت کومه له و محمد حسین کریمی و فواد مصطفی سلطانی نسبت میدهند! هنوز هم فشار چپ و کمونیسم کومه له آن دوره روی ایلخانی زاده مجبور میشود عوام فریبی کند و بگوید "سوسیالیست" هستند. میداند سازمان خود را برای ترور سوسیالیستها سازمان داده است، میداند سازمان نفرت قومی را سرهم بندی کرده است، باز هم ناچار میشود که خود را "سوسیالیست" بخواند. برای اینکه کومه له آن دوره با چپ و کمونیسم آنقدر عجین شده بود که ناسیونالیسم

و قوم گرایی و فدرالیسم قومی را اینها جز با عوام فریبی و تحت نام کومه له نمیتوانند به بازار عرضه کنند. سران زحمتکشان علنا قومیت را وارد رابطه شهروندان کرده اند. ولی از بیان صریح آن و اهداف اجتماعی خود مبتنی بر آن طفره میروند. مانند همه طرفداران فدرالیسم قومی صراحتا نمی گویند که قومیت را مبنای حاکمیت و قدرت سیاسی قرار داده اند. از هم اکنون لیست تهیه کرده اند تا از روی آن یک عده، "کردها" را یک جا دفن کنند، جایی دیگر یک عده لرها را بسوزانند و در مکانی دیگر "فارسها" و ترکها" جوانهای همدیگر را زنده اعدام کنند. به همین سادگی. معنی فدرالیسم قومی در ایران به همین سادگی است. اردوی نسل کشی ای که حزب دمکرات کردستان ایران نیز اکنون در ایران به قصد جلو دار آن شدن، خیز برداشته است. مگر در یوگسلاوی این کارها را نکردند. مگر در عراق هم اکنون این کارها را نمیکنند. عرب زبان های "شیعه و سنی" دارند همدیگر را کشتار میکنند. دارند خود را از مناطق همدیگر خارج میکنند. بیرون کردن زنان و شوهران "شیعه" یا "سنی" از خانه که تا دیروز مشکلی با هم نداشتند شروع شده است. فردا شکم زن و شوهری را که تا حال با هم زندگی میکردند و به هم عشق میورزیدند پاره میکنند. با بهم خوردن تعالی میان دیگر نیروها شاهد کشتار قومی در کرکوک و دیگر نقاط عراق نیز خواهیم شد. بحران اتمی شدن جمهوری اسلامی بالامیگردد عبدالله مهدی بلافاصله کینه و نفرت خود را از صف "بشریت متمدن" ی که در ابعاد میلیونی علیه نسل کشی ای که اکنون در عراق راه انداخته اند به میدان آمدند بیرون میریزد و میگوید که "اینها با تظاهرات ضد جنگ خود آب به آسیاب صدام میریختند!! آتمهای غیر مسئولی که چکیده تعصب

نقشه میکشند.

21 فوریه 2006

هر جمعه بین ساعت ۷ تا ۸ شب بوقت تهران از کانال یک

تلویزیون پرتو

تماس با ما:

دبیر کمیته کردستان:

h_moradbiegi@yahoo.com

Tel: 0046762737560

سردبیر:

sharifi_abdollah@yahoo.com

Tel: 00467365226

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست پیوندید!